

بررسی رابطه‌ی بین روش‌های اصلاحی با افسردگی

بزهکاران کانون اصلاح و تربیت شهرستان اهواز

غلامحسین عبادی^۱

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی روش‌های اصلاحی بر افسردگی بزهکاران کانون اصلاح و تربیت شهرستان اهواز بود. به همین منظور ۱۵۶ نفر از بزهکاران کانون به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌ی نگرش‌سنج بزهکاران و مقیاس افسردگی بک به روش مصاحبه‌ای انفرادی تکمیل شد. روش پژوهش انتخاب شده، روش پژوهش زمینه‌یابی با طرح پژوهش زمینه‌یابی پرسشنامه‌ای بود. با استفاده از آزمون مجذور کای، ضریب همبستگی فای، ضریب فای گرامر و رگرسیون چند متغیری هفت فرضیه جهت بررسی روش‌های اصلاحی مورد آزمون قرار گرفت. براساس شواهد به دست آمده به جز فرضیه‌ی پنجم که مربوط به رابطه‌ی فعالیت‌های هنری با افسردگی بزهکاران بود، کلیه‌ی فرضیه‌های پژوهش مورد تأیید قرار گرفته و نتیجه گرفته شد که کلیه روش‌های اصلاحی به کار گرفته شده در کانون اصلاح و تربیت شهرستان اهواز به جز فعالیت‌های هنری با اصلاح و تربیت بزهکاران زیر ۱۸ سال رابطه‌ی معناداری در سطح $P < ۰/۰۰۱$ دارند.

کلید واژه‌ها: کانون اصلاح و تربیت، بزهکاران، بزه، آسیب اجتماعی، روش‌های اصلاحی.



شروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در هر جامعه نهادهای اجتماعی مختلفی وجود دارد که مهم‌ترین آنها، خانواده است. انسان برای رابطه‌ی اجتماعی با دیگران قوانین و احکامی را ایجاد کرده است. هنجار اجتماعی^۱ کیفیت و چگونگی رفتارها و روابط بین افراد را مشخص می‌کند. به عبارت دیگر این هنجارها مشخص می‌کنند که انسان چگونه باید رفتار کند، چه باید بگوید و چه اعمالی را نباید انجام دهد. بر همین اساس هر فردی که بخواهد به عضویت جامعه درآید، جهت ایجاد روابط اجتماعی مناسب با دیگر اعضای جامعه باید خودش را با این هنجارها سازگار کند. گاهی اوقات القای این هنجارها ممکن است، اجباری نیز باشد. به طوری که ممکن است برخی افراد با هنجارهای اجتماعی ضدیت نشان دهند و یا این که بخواهند از آن فاصله بگیرند که برای مقابله با این مسئله نیروهای حافظ جامعه از طریق مجازات و موارد دیگر سعی بر تحکیم هنجارها و وارد کردن دیگران به پیروی از آن دارند. کجروی‌های اجتماعی همانند هنجارهای اجتماعی از نسلی به نسل دیگر قابل انتقال هستند. بنابراین اعتقاد جامعه شناسان جرم زاینده محیط است و هیچ مجرمی، مجرم به دنیا نیامده است.

مجرم از نظر قانونی شخصی است که مرتکب عملی می‌شود که بر اساس قانون برای

1. Social norm

آن عمل مجازاتی تعیین شده است. مفهوم خلاف^۱ با مفهوم جرم مترادف نیست. خلاف از نظر حقوقی به عمل یا اعمالی گفته می‌شود که مقررات و قوانین یک کشور آن را منع کرده و هر کسی که آن را انجام دهد (خلافکار) باید تنبیه، جریمه و یا سرزنش شود. معمولاً در روانشناسی جنایی^۲ و آسیب‌شناسی اجتماعی^۳ افراد خلافکار و مجرم مترادف با هم در نظر گرفته می‌شود. در یک فرد خلافکار اگر علت انجام خلاف او از طرف مریبان و یا اعضای نزدیک او برطرف شود به سادگی می‌توان او را از ارتکاب به خلافکاری بازداشت؛ چون معمولاً علت خلاف افراد خلافکار نوعی ناراحتی و فشار روانی^۴ است. بزهکاری^۵ نیز یک نوع خلاف است. اما بزهکاری خلاف شدیدی است که براساس قوانین برای آن بزه^۶ مجازات تعیین شده است. بزهکاری معلول جامعه‌ی شهری و قرن حاضر نیست. براساس آثار باستانی از روم و مصر قدیم می‌توان به وجود بزهکاری در آن قرن‌ها نیز اطلاع پیدا کرد.

مهمترین عاملی که جرایم کودکان و نوجوانان را از بزرگسالان جدا می‌کند، عامل سنی است. سن به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در نوع، افزایش و یا کاهش بزهکاری مؤثر است. با افزایش سن به سمت پیری و کهنسالی، بزهکاری کاهش می‌یابد. کم‌ترین تعداد مجرمین در زندان‌ها مربوط به کهنسالان است. اما نمی‌توان انکار کرد که حتی در این سنین نیز احتمال وقوع جرم در بین افراد وجود دارد. نحوه‌ی برخورد مجازات با مجرمین بزرگسال متفاوت با مجرمین کم‌سن است. قانون‌گذاران کشورهای مختلف با

-
1. Misconduct
 2. Criminal psychology
 3. Social pathology
 4. Stress
 5. Delinquency
 6. Felony

توجه به این موضوع روش‌های مختلف و قوانین متفاوتی را در برخورد با کودکان و نوجوانان مجرم تدوین کرده‌اند. در ایران بعد از انقلاب اسلامی توجه خاصی به مجرمین و نحوه‌ی نگهداری آنها به خصوص بزهکاران^۱ کم سن شده است. به طوری که بزهکاران زیر ۱۸ سال در محلی به نام قانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌شوند. در جمهوری اسلامی ایران براساس ماده‌ی ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، کودکان در صورت جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنها با نظردادگاه به عهده‌ی سرپرست کودکان و قانون اصلاح و تربیت است. قانون اصلاح و تربیت مرکزی است، جهت نگهداری، اصلاح، تربیت و تهذیب کودکان و نوجوانان بزهکاری که کمتر از ۱۸ سال تمام سن داشته باشند. هدف عمده‌ی قانون این است تا با اتخاذ روش‌هایی صحیح کودکان بزهکار را که خواسته و یا ناخواسته مرتکب جرم شده‌اند، تربیت و اصلاح نموده و همانند یک فرد مفید او را به جامعه برگردانند.

پیشینه‌ی پژوهش

قانون اصلاح و تربیت زمانی می‌تواند به معنای واقعی در اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان فعال و کوشا باشد که در این مکان‌ها کودکان و نوجوانان توسط زندانبانانی متعهد و آگاه تحت آموزش و تربیت خاص قرار گیرند. کین برگ^۲ (۱۹۹۵) معتقد است که محیط زندان و مؤسسات مشابه آن معمولاً یک چو روانی مناسب برای رشد و توسعه‌ی رفتارهای مجرمانه است. اگر افراطی به این مسئله توجه نشود، می‌توان ادعا کرد در هر محیطی اگر افراد دانا و عالم حضور داشته باشند، می‌توان به اصلاح و تربیت افراد پرداخت حتی اگر این محیط زندان باشد.

۱. در این مطالعه مقصود از بزهکاران، مجرمین زیر ۱۸ سال است که بر اساس قوانین کیفری مرتکب جرمی شده‌اند.

با به کارگیری اصلی به نام اقتصاد ژتونی^۱ در زندان‌ها سعی بر این است تا رفتارهای خلاف بزهکاران تغییر داده شود. زیربنای اساسی اصل اقتصاد ژتونی این است که هر زمانی که بزهکار رفتار یا فعالیت درست و یا مناسبی را انجام دهد، بلافاصله با استفاده از روش ارائه‌ی تقویت ژتون به رفتار و فعالیت مجرم شکل داده می‌شود و هر زمانی که رفتار و یا فعالیت نادرستی انجام دهد از ارائه‌ی ژتون به زندانی خودداری می‌شود. ژتونی را که زندانی دریافت می‌کند، می‌تواند با آن اشیاء یا خوراکی‌های مورد نیازش را تعویض کند. هدف در این روش این است که رفتار مناسب در بزهکار شرطی شود و زندانی به آن عادت کند. به طوری که بعد از آزادی از زندان این رفتارها همچنان باقی بماند. به کارگیری این روش روی بزهکاران، روش بسیار مؤثری در تغییر برخی از رفتارهای خلاف آنها بوده است (اچ.ج. آیزنک^۲، ۱۹۷۶).

برخی از انسان‌گرایان بر این عقیده‌اند که به انسان باید آزادی عمل داد، حتی اگر مجرم باشد. در این رابطه دو پژوهشگر در انگلستان پژوهشی به یادماندنی را انجام دادند. آنها موفقیت نسبی دو نوع مؤسسه بورستال^۳ باز و بورستال بسته را مورد توجه قرار داده‌اند. به طور متوسط یک نفر از سه نفری که در مؤسسات باز نگهداری می‌شدند، در طول سه سال بعد از آزادی مرتکب جرم می‌شدند. در حالی که به طور متوسط دو نفر از سه نفری که در مؤسسات بسته نگهداری می‌شدند به بازداشتگاه برمی‌گشتند. ظاهراً بورستال باز تقریباً دو برابر بورستال بسته مؤثر بوده است (منهایم و ویلکینز^۴، ۱۹۵۵ و ۲۰۰۱).

در مراکز اصلاح و تربیت در کشور آمریکا طبقه‌بندی بزهکاران از لحاظ سن، تعداد

1. Token Economy

2. Eysenck. H. J.

۳. مؤسسه‌ی بورستال بازداشتگاهی است. که بزهکاران کم سن را نگهداری می‌کند.

4. Mannheim & Wilkins

سابقه، نوع جرایم و طبقه‌بندی حفاظتی انجام می‌گیرد. براساس مطالعاتی که در این مراکز انجام گرفته، این طبقه‌بندی جهت کنترل دقیق‌تر بزهکاران و اصلاح و بازپروری آنها مؤثر بوده است. در این مراکز دو نوع ملاقات برای محکومین در نظر گرفته شده است. یکی ملاقات با خانواده و دیگری ملاقات با مسئولین، وکلا و مشاورین است. مسئولین مراکز، ملاقات با خانواده را به عنوان یک محرک تشویق‌کننده نیز در نظر گرفته‌اند. به طوری که زندانیانی که رفتار مناسبی در مدت محکومیت خود دارند، امکانات بیشتری برای ملاقات با خانواده‌هایشان فراهم می‌شود. مطالعات آنها نشان داد که ملاقات با خانواده روی ویژگی‌های شخصیتی بزهکاران از جمله اضطراب، استرس، افسردگی و خودپنداری آنها اثر مثبت می‌گذارد (اشرف‌پور، ۱۳۷۴).

چادویک و آلبرشت^۱ (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای جامع در کانادا به بررسی رابطه‌ی بین ایسمان مذهبی و بزهکاری نوجوانان پرداخته‌اند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌ای استفاده شد که از دو قسمت تشکیل شده بود. قسمت اول پرسشنامه جویای این نکته بود که افراد مورد نظر در دو ساله‌ی اخیر چندبار به استعمال مواد مخدر، مصرف مشروبات الکلی، روابط جنسی نامشروع، سرقت و ارتشاء مبادرت کرده‌اند. قسمت دوم پرسشنامه گرایش مذهبی افراد را مشخص می‌کردند. نتایج این مطالعه نشان داد که مابین مراسم مذهبی و اعتقاد داشتن به مسائل مذهبی با بزهکاری رابطه‌ی معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر خانواده‌هایی که اعتقادات مذهبی داشتند و در مراسم مذهبی شرکت می‌کردند، نسبت به خانواده‌های دیگر کمتر مرتکب بزهکاری شده بودند. تجربه نشان داده است که مهم‌ترین عاملی که فرد را به ارتکاب جرم وامی‌دارد، خدا ناپاوری است. لامذهبی و یا عدم اعتقاد قلبی به معاد ریشه‌ی اصلی تمام گناهان و بزه‌های مختلف است که ترک نماز، بی‌بند و باری به اصول مذهبی و یا دوری از واجبات از عوامل اصلی آن به حساب می‌آید. براساس آمار موجود ۹۰ درصد مجرمین

از انسان‌هایی هستند که نماز نمی‌خوانند (صرامی، ۱۳۷۵).

در ایالات لیانونینگ چین یک مؤسسه‌ی درمانی مطالعه‌ای را روی ۱۲۴ نفر از زندانیانی که گواهی‌نامه‌ی فنی و حرفه‌ای را از زندان دریافت کرده بودند، انجام داده است. نتایج به دست آمده نشان داد که همه آنها صاحب شغلی بوده و هیچ موردی از ارتکاب مجدد جرم درباره‌ی آنها گزارش نشده است. همچنین در ایالت شندونگ چین مؤسسه‌ی کاردرمانی جینان مطالعه‌ای را روی ۷۲۰ نفر از زندانیان آزاد شده که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را دیده و موفق به اخذ گواهی‌نامه شده بودند، انجام داده است. نتایج این بررسی نشان داد که ۹۶ نفر از زندانیان بلافاصله پس از بازگشت به جامعه به استخدام مشاغل مختلف درآمده‌اند. باقیمانده‌ی آنان نیز به واحدهای شغلی قبل از محکومیت خود به امور تجاری مربوط به عملیات ساختمانی و سایر خدمات صنعتی مشغول به کار شده‌اند (اشرف پور، ۱۳۷۴).

بنابراین شواهد حاکی از نتایج پژوهش‌ها نشان داد که ارائه‌ی آموزش‌های لازم برای اشتغال‌زایی با اعطای شغل در زمینه‌های فنی و حرفه‌ای به گونه‌ای که مجرم‌ان بتوانند به استخدام واحدهای شغلی جامعه درآیند، اثر قابل ملاحظه‌ای در ارتکاب مجدد به جرم داشته است.

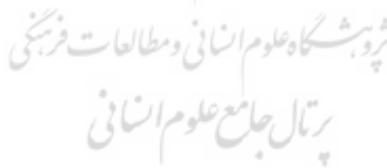
هدف پژوهش

باتوجه به ضرورت پژوهش و اهمیت آن، هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی روش‌های اصلاحی برنگرش و افسردگی بزهکاران کانون اصلاح و تربیت است، تا براساس آن مشخص شود که آیا روش‌های اصلاحی مانند اجرای مراسم مذهبی، اشتغال به کار، ملاقات حضوری، فعالیت‌های هنری، فعالیت‌های ورزشی می‌توانند تأثیر مثبتی روی نگرش، افسردگی، اصلاح و تربیت بزهکاران گذارد.

فرضیه‌های پژوهش

جهت بررسی روش‌های اصلاح بزهکاران در این مطالعه هفت فرضیه به ترتیب ذیل غیرمستقیم مورد آزمایش قرار گرفت که عبارتند از:

- ۱- اجرای مراسم مذهبی در کانون اصلاح و تربیت بر نگرش مذهبی بزهکاران اثر دارد.
- ۲- بین اشتغال به کار در کانون اصلاح و تربیت و کاهش افسردگی بزهکاران رابطه وجود دارد.
- ۳- بین اعطای ملاقات حضوری به بزهکاران کانون اصلاح و تربیت و کاهش افسردگی آنها رابطه وجود دارد.
- ۴- بین ملاقات حضوری بزهکاران کانون اصلاح و تربیت با خانواده‌هایشان و ایجاد آرامش آنها در کانون رابطه وجود دارد.
- ۵- بین انجام فعالیت‌های هنری و کاهش افسردگی در بزهکاران کانون اصلاح و تربیت رابطه وجود دارد.
- ۶- بین انجام فعالیت‌های ورزشی و کاهش افسردگی در بزهکاران کانون اصلاح و تربیت رابطه وجود دارد.
- ۷- مهم‌ترین عامل در ایجاد بزه از نظر بزهکاران کانون اصلاح و تربیت پای‌بند نبودن به اعتقادات مذهبی است.



روش پژوهش

جامعه‌ی آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جمعیت هدف این پژوهش را گروهی از بزهکاران مذکر کانون اصلاح و تربیت شهرستان اهواز تشکیل می‌دهند که سن آنان کمتر از ۱۸ سال و تحصیلاتی پایین‌تر از دیپلم دارند. به شیوه‌ی تصادفی طبقه‌ای از بین کلیه‌ی بزهکاران کانون اصلاح و تربیت شهرستان اهواز ۱۵۶ آزمودنی مرد که مشخصات بالا را داشتند، انتخاب گردید. میانگین سن آزمودنی‌ها ۱۶/۵ سال با انحراف استاندارد ۱/۶۵ بود.

ابزار پژوهش

جهت بررسی و آزمودن فرضیه‌های پژوهش به اطلاعات و داده‌هایی نیاز است که زیربنای تحلیل‌های آماری نیز محسوب می‌شوند. در این مطالعه جهت جمع‌آوری و داده‌ها از دو پرسشنامه یکی پرسشنامه‌ی افسردگی بک^۱ (BDI) دیگری مقیاس نگرش سنج بزهکاران در مورد محیط کانون اصلاح و تربیت استفاده شد. پرسشنامه‌ی افسردگی بک دارای چند فرم است که در این پژوهش از فرم ۲۱ ماده‌ای آن استفاده شده است.

آرون بک گزارش می‌کند که این پرسشنامه، از ضرایب پایایی^۲ و روایی^۳ مناسبی یکی از برخوردار است. انجمن روانشناسی آمریکا^۴ (۱۹۸۵) گزارش می‌کند، مهم‌ترین ابزارهای آمریکا^۵ BDI اندازه‌گیری جهت اندازه‌گیری افسردگی افراد است. انجمن روانپزشکی (۱۹۹۴) نیز گزارش می‌کند که محتوای پرسشنامه‌ی افسردگی بک با مطابقت دارد و از راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی^۶ محتوای مناسبی DSM-IV اعتبار برخوردار است. استر^۷، بک، برون و برچیک^۸ (۲۰۰۱) در گزارشی بیان می‌کنند که پرسشنامه‌ی افسردگی بک قابلیت پیش‌بینی جهت تشخیص اختلال افسردگی را دارد. این ملاک در روان‌سنجی^۹ به عنوان روایی اعتبار پیش‌بین^{۱۰} معرفی می‌شود. در

1. Beck Depression Inventory (BDI).
2. Reliability.
3. Validity.
4. American Psychological Association.
5. American Psychiatric Association .
6. Diagnostic and statistical Manual of mental Disorders.
7. Steer.
8. Brown & Berchick.
9. Psychometrics.
10. Predictive validity.

صورتی که پرسشنامه‌ای قابلیت پیش‌بینی برای آن صفت را داشته باشد، از نظر روایی دارای روایی قابل توجهی است (عبادی، ۱۳۷۴).

در این مطالعه برای اندازه‌گیری نگرش بزهکاران کانون چون هیچ‌گونه ابزار مفیدی از لحاظ روان‌سنجی در اختیار نبود، تصمیم گرفته شد، پرسشنامه‌ای در این زمینه ساخته شود. برای ساخت این مقیاس ابتدا فهرستی از هدف‌هایی که قصد بود به کمک مقیاس به آنها دسترسی به عمل آید، تهیه شد. در تهیه هدف‌های پرسشنامه‌ی روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌هایی که از اجرای پرسشنامه جمع‌آوری می‌شدند، نیز مورد توجه قرار گرفت. بعد از تهیه‌ی پیش‌نویس مقدماتی مقیاس و اجرای مقدماتی آن روی گروه نمونه در جامعه‌ی پژوهش کلیه‌ی سؤال‌ها مورد بررسی قرار گرفت. برای این کار تصمیم گرفته شد درصد پاسخ‌های به دست آمده از بزهکاران برای هر سؤال کم‌تر از ۸۰ درصد تعداد آزمودنی‌ها نباشد، برای مثال اگر ۱۶ نفر از ۲۰ نفر آزمودنی سؤالی را پاسخ نمی‌دادند، آن سؤال کاملاً حذف می‌شد. ویلمن^۱ (۱۹۷۸) حداکثر درصد پاسخ دهی را ۹۵ درصد و حداقل آن را ۵۰ درصد و میانگین را ۷۴ درصد اعلام کرده است. به این ترتیب از این طریق ۴۶ سؤال که حداقل ۸۰ درصد از آزمودنی‌ها به هر سؤال پاسخ داده بودند، انتخاب شد.

بعد از انتخاب سؤال‌ها ویژگی‌های فنی مقیاس از طریق اعتبار محتوا^۲ و بازآزمایی^۳ مورد بررسی قرار گرفت. اعتبار مقیاس از روش اعتبار محتوا ۰/۷۹ (میزان توافق دو متخصص در ارتباط با ارزیابی کمی هر آیتم) و پایایی مقیاس از روش بازآزمایی ۰/۸۱ به دست آمد. نمره‌گذاری این پرسشنامه به صورت صفر و یک انجام گرفت.

1. Dilliman.

2. Content validity.

3. Test-Retest.

روش اجرا

بعد از انتخاب ۱۵۶ نفر از بزه‌کاران کانون به روش تصادفی طبقه‌ای (از هر طبقه جرم به نسبت آن در جمعیت آماری حجم نمونه انتخاب شد)، هماهنگی لازم با مسئولین کانون اصلاح و تربیت اهواز به عمل آمد تا آزمودنی‌های مورد نیاز به طور انفرادی از طریق تماس تلفنی که به عمل می‌آمد، از محل اسکان بزه‌کاران به محل اجرای آزمایش راهنمایی شوند.

پرسشنامه‌ها به روش انفرادی روی آزمودنی‌ها به طور یکسان اجرا شد. از آن جایی که به دلیل پایین بودن سطح سواد امکان اجرای گروهی ممکن نبود، اجرای انفرادی پُرزحمت و بسیار وقت‌گیر بود و مستلزم این بود که آزمون‌گر ۸۷ ماده را برای هر آزمودنی بخواند و پاسخ‌ها را نیز خود در پاسخنامه علامت‌گذاری کند. با وجود این که برخی از آزمودنی‌ها دارای سواد زیردپلم بودند، می‌توانستند خود پرسشنامه‌ها را بخوانند و پاسخ دهند، ولی جهت یکسانی شرایط آزمایش پرسشنامه‌ها به صورت انفرادی (یا به عبارت دیگر، به صورت مصاحبه سازمان یافته) اجرا شد. به آزمودنی‌ها توضیح داده شده که هیچ پاسخ صحیح یا غلطی برای سؤال‌ها وجود ندارد و باید گزینه‌ای را انتخاب کنند که بیشترین انطباق را با ویژگی‌های شخصیتی و نگرشی آنها دارد. هیچ گونه محدودیت زمانی برای تکمیل پرسشنامه‌ها اعمال نشد، با این وجود به آزمودنی‌ها یادآوری می‌شد که وقت را بیهوده تلف نکنند و سریعاً به سؤال‌ها پاسخ دهند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از وارد نمودن اطلاعات در کامپیوتر با استفاده از ویراش ۱۱/۵ نرم‌افزار SPSS داده‌ها تجزیه و تحلیل شدند. عمده‌ترین روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها که با استفاده از این نرم‌افزار انجام گرفت، به شرح ذیل هستند:

۱- توزیع فراوانی و استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی مانند فراوانی نسبی، درصد

فراوانی، درصد فراوانی تراکمی، میانگین و انحراف معیار برای متغیرهای مورد بررسی؛
۲- استفاده از ضرایب همبستگی، مجذور کای یک متغیری و دو متغیری، ضریب
فای کرامر و رگرسیون چند متغیری جهت فرضیه آزمایی.

سطح معنادار برای آزمون فرضیه‌ها ۰/۰۵ و ۰/۰۱ در نظر گرفته شد. بنابراین ملاک
تصمیم‌گیری در مورد فرضیه‌های صفر به شرح ذیل است.

۱- فرضیه‌ی صفر رد می‌شود، اگر در سطح ۰/۰۵ یا ۰/۰۱/۰/۰۱ یا ۰/۰۵ $P <$ باشد.

۲- فرضیه‌ی صفر رد نمی‌شود، اگر در سطح ۰/۰۵ یا ۰/۰۱/۰/۰۱ یا ۰/۰۵ $P >$ باشد.

یافته‌ها

پس از اجرای پرسشنامه‌ها روی ۱۵۶ آزمودنی، پاسخنامه‌ی هر آزمودنی برای هر سؤال
و هر قسمت نمره‌گذاری شد و نمره‌گذاری به دست آمده وارد کامپیوتر شد. توزیع
فراوانی مربوط به سن آزمودنی‌ها در جدول یک نشان داده شده است. کمترین فراوانی
سن مربوط به سنین ۱۱، ۱۲ و ۱۳ سالگی است و بیشترین تعداد آزمودنی‌ها در
۱۶ سالگی بوده است. اصولاً چون کانون اصلاح و تربیت محل نگهداری و تهذیب
بزهکاران زیر سن ۱۸ سال است؛ به همین دلیل دامنه‌ی سنی آزمودنی‌ها به جز ۵ نفر ۱۹
ساله، دو نفر ۲۰ ساله و یک نفر ۲۳ ساله، کلیه‌ی آزمودنی‌های شرکت کننده، سنی
پایین‌تر از ۱۸ سال دارند. دلیل این‌که این ۷ مورد نیز در کانون بوده‌اند. این بود که یا از نظر
جثه و وضعیت فیزیکی نحیف بوده‌اند و یا این‌که کسانی بوده‌اند که محکومیت آنها ۵ تا
۱۰ سال بوده است که اکثراً مدت محکومیت خود را در کانون گذرانده‌اند و برای یکی دو
سال باقیمانده به زندان‌های مربوط فرستاده نشده‌اند. هدف از این کار تهذیب و تربیت
صحیح‌تر همراه با تأدیب بوده است. در جدول دو توزیع فراوانی سطح سواد آزمودنی‌ها
نشان داده شده است. این جدول نشان می‌دهد که سطح سواد آزمودنی‌ها بین پایه‌ی‌های
اول تا دیپلم ناقص است. کم‌ترین سطح سواد، مربوط به دیپلم ناقص با یک نفر، و
بیشترین سطح سواد مربوط به کلاس پنجم ابتدایی با ۵۷ نفر است.

جدول شماره ی ۱: توزیع فراوانی، درصد فراوانی، فراوانی تراکمی و درصد فراوانی تراکمی مربوط به سن آزمودنی‌ها (n = ۱۵۶)

درصد فراوانی تراکمی (FC)	فراوانی تراکمی (FC)	درصد فراوانی (P)	فراوانی (F)	سن
۰/۶۴	۱	۰/۶۴	۱	۱۱
۱/۲۸	۲	۰/۶۴	۱	۱۲
۴/۴۹	۷	۳/۲۱	۵	۱۳
۱۰/۹۰	۱۷	۶/۴۱	۱۰	۱۴
۲۳/۷۲	۳۷	۱۲/۸۲	۲۰	۱۵
۴۲/۹۵	۶۷	۱۹/۲۳	۳۰	۱۶
۶۹/۲۳	۱۰۸	۲۶/۲۸	۴۱	۱۷
۶۹/۲۳	۱۴۸	۲۵/۶۴	۴۰	۱۸
۹۸/۰۸	۱۵۳	۳/۲۱	۵	۱۹
۹۹/۳۶	۱۵۵	۱/۲۸	۲	۲۰
۱۰۰	۱۵۶	۰/۶۴	۱	۲۱
-	-	۱۰۰	۱۵۶	جمع

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی، درصد فراوانی، فراوانی تراکمی و درصد فراوانی تراکمی مربوط به سطح سواد آزمودنی‌ها (n = ۱۵۶)

سطح سواد	فراوانی (F)	درصد فراوانی (F)	فراوانی تراکمی (PC)	درصد فراوانی تراکمی (PC)
بی سواد و کم سواد	۴۱	۲۶/۲۸	۴۱	۲۶/۲۸
پنجم ابتدایی	۵۷	۳۶/۵۴	۹۸	۶۲/۸۲
اول راهنمایی	۲۲	۱۴/۱۰	۱۲۰	۷۶/۹۲
دوم راهنمایی	۱۹	۱۲/۱۸	۱۳۹	۸۹/۱۰
سوم راهنمایی	۱۱	۷/۰۵	۱۵۰	۹۶/۱۵
اول دبیرستان	۵	۳/۲۱	۱۵۵	۹۹/۳۶
دیپلم ناقص	۱	۰/۶۴	۱۵۶	۱۰۰
جمع	۱۵۶	۱۰۰	-	-

جهت آزمودن فرضیه‌ی اول داده‌های مورد نیاز از سؤال ۱۲ مقیاس نگرش سنج بزهکاران جمع‌آوری شد. از ۱۵۶ نفر آزمودنی شرکت کننده در این مطالعه ۱۴۹ نفر (حدوداً ۹۵/۵ درصد) معتقد بودند که شرکت در مراسم مذهبی کانون روی اعتقادات مذهبی آنها تأثیر مثبت داشته است و فقط ۷ نفر (حدوداً ۴/۵ درصد) از آزمودنی‌ها اظهار داشتند که شرکت در مراسم مذهبی روی اعتقادات مذهبی آنها تأثیر نداشته است. برای تحلیل دقیق‌تر آماری از آزمون مجذور کای یک متغیری استفاده شد. مقدار شاخص آماری محاسبه شده برای این داده‌ها برابر $129/26$ (x^2_{ob}) به دست آمد. مقدار بحرانی توزیع نظری مجذور کای با درجه‌ی آزادی یک و سطح معنادار $0/001$ برابر با $10/83$ است. چون $129/26 > 10/83$ است H_0 به نفع H_1 رد می‌شود. توزیع فراوانی تأثیر مراسم مذهبی بر اعتقادات مذهبی گروه نمونه‌ی مورد مطالعه از توزیع مشخص شده در فرضیه‌ی صفر آن چنان تفاوت دارد که با اطمینان $0/999$ می‌توان بیان داشت که توزیع مشخص شده در H_0 توصیف درستی از جامعه نیست.

بنابراین فرضیه صفر بیان می‌کند که شرکت در مراسم مذهبی کانون بر اعتقادات مذهبی بزهکاران تأثیر ندارد، رد می‌شود و نتیجه‌گیری می‌شود که انجام مراسم مذهبی در کانون روی اعتقادات مذهبی بزهکاران با احتمال ۰/۹۹۹ اثر معناداری دارد. جهت آزمودن فرضیه‌ی دوم از پرسشنامه‌ی افسردگی بک و مقیاس نگرش سنج استفاده شد. به همین منظور با استفاده از نمره‌ی کل BDI کسانی که نمره‌ی آنها پایین‌تر از ۱۷ بود، در طبقه‌ی افسردگی پایین و کسانی که نمره‌ی کل آنها بین ۱۷ تا ۳۰ بود در طبقه‌ی افسردگی متوسط و افرادی که نمره‌ی کل آنها بالاتر از ۳۰ بود در طبقه‌ی افسردگی بالا قرار گرفتند. سپس مشخص گردید که چند نفر از آزمودنی‌های طبقات افسردگی در کانون یا بیرون از کانون اشتغال به کار دارند. جدول ۳ توزیع فراوانی این مقوله‌ها را نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی ۳: جدول توافقی افسردگی و اشتغال به کار بزهکاران (n = ۱۵۶)

جمع	اشتغال به کار ندارند	اشتغال به کار دارند	اشتغال به کار افسردگی
۷۶	۴۲	۳۴	افسردگی پایین
۱۸	۱۷	۱	افسردگی متوسط
۶۲	۶۱	۱	افسردگی بالا
۱۵۶	۱۲۰	۳۶	جمع

در تجزیه و تحلیل آماری که از طریق آزمون مجذور کای دو متغیری انجام گرفت، مقدار مجذور کای مشاهده شده ۳۸/۷۹ به دست آمده که این مقدار از مقدار بحرانی توزیع مجذور کای در سطح آلفا ۰/۰۰۱ با درجه‌ی آزادی ۲ ($\chi^2_{cr}=13/52$) بسیار بزرگتر است. بنابراین فرضیه‌ی صفر که بیان می‌کند متغیرهای افسردگی و اشتغال به کار در جامعه مستقل از یکدیگرند، رد می‌شود و نتیجه‌گیری می‌شود که بین اشتغال به کار و کاهش افسردگی رابطه‌ی معناداری در سطح ۰/۰۰۱ وجود دارد. فرضیه‌ی سوم این مطالعه به بررسی رابطه‌ی بین اعطای ملاقات حضوری و افسردگی بزهکاران پرداخته

است (لازم به توضیح است که باتوجه به این که اعطای ملاقات حضوری و عدم اعطای آن به عنوان یک متغیر اسمی است، جهت تعیین رابطه‌ی آن با افسردگی، نمره‌های افسردگی آزمودنی‌ها با توجه به سطح نمره‌ای که کسب می‌کردند به دو طبقه‌ی افسردگی پایین و افسردگی بالا تبدیل شدند تا امکان فرضیه آزمایی وجود داشته باشد). در فرضیه آزمایی، شاخص آماری به دست آمده برابر $۴۶/۶۰$ بود. مقدار مشاهده شده از طریق شاخص آماری مجذورکای دو متغیری از جدول 2×2 حاصل شده است. چون مقدار $۴۶/۶۰$ از مقدار بحرانی با درجه‌ی آزادی یک و در سطح $\alpha = ۰/۰۰۱$ ($x^2_{cr} = 10/83$) بزرگتر است فرضیه‌ی صفر که بیان‌کننده‌ی عدم ارتباط بین دو متغیر است، رد می‌شود و نتیجه گرفته می‌شود که بین اعطای ملاقات حضوری و افسردگی بزهکاران رابطه‌ی معناداری در سطح $P < ۰/۰۰۱$ وجود دارد. جهت تعیین میزان ارتباط بین این دو متغیر از ضریب همبستگی فای استفاده به عمل آمد. تحلیل آماری انجام گرفته نشان داد که میزان ارتباط بین این دو متغیر برابر با $۰/۵۶$ است. از علامت منفی این ضریب نتیجه گرفته می‌شود که بین ملاقات حضوری و افسردگی همبستگی منفی وجود دارد. به عبارت دیگر هرچه بزهکاران ملاقات حضوری کمتری داشته باشند. میزان افسردگی آنها بیشتر می‌شود و برعکس. بنابراین اعطای ملاقات حضوری به بزهکاران می‌تواند نقش بسیار مهمی در کاهش افسردگی آنها ایجاد کند. از شواهدی که به دست آمد می‌توان نتیجه گرفت که ملاقات حضوری می‌تواند محرک تشویق‌کننده‌ی مفیدی در کنترل، تأدیب و تشویق زندانیان به کار گرفته شود. از تجزیه و تحلیل فرضیه‌ی چهارم پژوهش نتیجه‌گیری شد که ملاقات حضوری بزهکاران با خانواده‌هایشان با ایجاد آرامش آنها رابطه وجود دارد. میزان رابطه‌ی بین این دو متغیر از طریق ضریب همبستگی فای برابر با $۰/۵۲$ بود که این ضریب از لحاظ آماری در سطح $P < ۰/۰۰۱$ نیز معنادار است. برای معنادار بودن این رابطه از مشخصه‌ی آماری مجذورکای دو متغیری استفاده به عمل آمد.

رابطه‌ی بین انجام فعالیت‌های هنری و کاهش افسردگی بزهکاران در فرضیه‌ی پنجم پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل آماری که از طریق مجذورکای دو

متغیری انجام گرفت نشان داد که بین انجام فعالیت‌های هنری و کاهش افسردگی بزهکاران رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر چون مقدار مجذور کای مشاهده شده ($x^2_{ob}=5/35$) کوچکتر از مقدار مجذور کای بحرانی با درجه‌ی آزادی ۲ و سطح آلفا ۰/۰۰۱ ($x^2_{cr}=13/82$) است، فرضیه‌ی صفر را نمی‌توان به نفع فرضیه‌ی پژوهش رد کرد. براساس شواهد به دست آمده نتیجه گرفته می‌شود که انجام فعالیت‌های هنری مانند تئاتر، نقاشی، موسیقی، نمایش و کارهای دستی در کانون اصلاح و تربیت نمی‌تواند تأثیر زیادی بر کاهش افسردگی بزهکاران داشته باشد. یا اگر هم این نوع فعالیت‌ها تأثیری بر کاهش افسردگی داشته باشد، تأثیر آن قابل ملاحظه نیست. در مقایسه‌ی این فرضیه با فرضیه‌ی دوم تحلیل‌های آماری که با رگرسیون دو متغیری انجام گرفت نشان داد که اشتغال به کار، متغیر مهم‌تری جهت کاهش افسردگی نسبت به فعالیت‌های هنری برای بزهکاران است. یافته‌ها نشان دادند که از نظر بزهکاران حتی اشتغال به کار اهمیت بیشتری نسبت به شرکت در کلاس‌های درس برای آنها دارد. در فرضیه‌ی ششم برای بررسی این سؤال که آیا انجام دادن فعالیت‌های ورزشی با کاهش افسردگی بزهکاران ارتباط دارد، داده‌های مورد نیاز از طریق مقیاس نگرش سنج و BDI جمع‌آوری شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق مجذور کای دو متغیری انجام گرفت. مقدار شاخص به دست آمده برابر با ۵۱/۲۳ است. مقدار بحرانی مجذور کای در توزیع نمونه‌گیری با درجه‌ی آزادی دو و سطح معنادار ۰/۰۰۱ $p <$ برابر با ۱۳/۸۲ است. به دلیل این که مقدار شاخص آماری به دست آمده بزرگتر از مقدار بحرانی در توزیع نمونه‌گیری است تصمیم به رد فرضیه‌ی صفر گرفته شد. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که انجام فعالیت‌های ورزشی با کاهش افسردگی بزهکاران رابطه‌ی معناداری در سطح ۰/۰۰۱ $p <$ دارد. برای تعیین میزان رابطه از ضریب فای کرامر استفاده شد. قدرت همخوانی بین دو متغیر براساس این ضریب برابر با ۰/۴۱- به دست آمد. این مقدار نشان دهنده‌ی آن است که بین انجام فعالیت‌های ورزشی و کاهش افسردگی رابطه‌ی منفی وجود دارد. به این معنا که هرچه بزهکاران فعالیت‌های ورزشی را بیشتر انجام دهند، حالت‌های افسردگی،

بی‌تفاوتی و سستی و خمودگی در آنها کم‌تر می‌شود. جهت آزمودن فرضیه‌ی هفتم پژوهش که به بررسی مهم‌ترین متغیر در ایجاد بزه از نظر بزهکاران می‌پردازد از تحلیل رگرسیون ols^۱ و برای ورود متغیرها از روش گام به گام استفاده شده است. آزمودنی‌ها (بزهکاران) باید مشخص می‌کردند که از بین متغیرهای اشتغال به کار، فعالیت‌های هنری، فعالیت‌های ورزشی، داشتن اعتقادات مذهبی و افسردگی کدام متغیر به عنوان مهم‌ترین متغیر در ایجاد بزه (متغیر ملاک) آنها بوده است. یافته‌های جدول ۴ حاکی از آن است که دو متغیر اعتقادات مذهبی و اشتغال به کار در مجموع توانسته‌اند ۰/۱۰۱ از واریانس متغیر ملاک (بزهکاری) را تبیین کنند ($R^2 = 0/101$) که R تعدیل شده آن با ۰/۹۸ نسبت به R واقعی‌تر است چون نسبت به افزایش متغیرها حساسیت کمتری از خود نشان می‌دهد).

جدول شماره‌ی ۴: میزان واریانس تبیین شده در مدل‌های مختلف رگرسیونی

برای تعیین مهم‌ترین متغیر برای ایجاد بزهکاری

مدل	R	R ²	R تعدیل شده	خطای استاندارد پیش بینی
۱ داشتن اعتقاد مذهبی	۰/۲۹۶	۰/۸۸	۰/۸۵	۳/۴۶
۲ اشتغال به کار	۰/۳۱۷	۰/۱۰۱	۰/۹۸	۳/۷۵

به‌طور کلی از فرضیه‌ی آزمایشی هفت فرضیه‌ی تدوین شده، شش فرضیه در سطح معنادار ۰/۰۱ و ۰/۰۰۱ مورد تأیید قرار گرفت و یک فرضیه در هیچ سطح معناداری مورد تأیید قرار نگرفت. براساس نتایج به دست آمده از تأیید شش فرضیه، کلیه‌ی روش‌های اصلاحی شامل اجرای مراسم مذهبی، اشتغال به کار، ملاقات حضوری و انجام فعالیت‌های ورزشی بر اصلاح، تربیت و تهذیب بزهکاران رابطه‌ی معناداری در سطح $p < 0/001$ دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج حاصل از یافته‌های این پژوهش مشخص گردید که روش‌های اصلاحی به کار گرفته شده با نگرش و افسردگی بزهکاران رابطه‌ی معناداری دارد. با توجه به یافته‌های به دست آمده از فرضیه آزمایی، فرضیه‌ی اول مورد تأیید قرار گرفت و در سطح $p < 0/001$ اجرای مراسم مذهبی در کانون بر نگرش مذهبی بزهکاران اثر مثبت دارد. همسویی نتایج حاصل با یافته‌های چادویک و آلبرشت (۲۰۰۲)، صرامی (۱۳۷۵) و زرگر (۱۳۷۸) تلویحاً بر تأثیر باورهای مذهبی به عنوان متغیرهای پیشگیرانه در ارتکاب به جرم دلالت می‌کنند. تبیین احتمالی تأثیر مراسم مذهبی بر نگرش به این اصل برمی‌گردد که باور داشتن بر پدیده‌ها و مسائل مقدس نقش اساسی در جلوگیری از ارتکاب آن چه که مورد تأیید هنجارهای اجتماعی و دینی نیست در افکار آزمودنی دارد. علاوه بر این دلیل احتمال تأثیر این مراسم بر افسردگی آزمودنی‌ها نیز تأکیدی بر وجود عاملی به عنوان تکیه‌گاه درونی جهت اجتناب از غم و ناامیدی است. همان‌طور که در بخش یافته‌ها ملاحظه شد، فرضیه‌ی دوم که به بررسی رابطه‌ی بین اشتغال به کار و افسردگی بزهکاران می‌پرداخت مورد تأیید قرار گرفت. یافته‌های مربوط به این فرضیه با یافته‌های پژوهشی کین‌برگ (۱۹۹۵) و منهایم و ویلکینز (۱۹۹۵ و ۲۰۰۱) منطبق و همسو است. تبیین احتمالی نتایج این فرضیه به وجود تداوم روابط صمیمانه با افراد، دوری از تنهایی، مهارت‌آموزی و اعتقاد به توانایی انجام کار، زمینه‌ی ایجاد روابط دوستانه و باور داشتن به این موضوع که از طرف دیگران مورد ارزش است، همه می‌توانند دلایلی باشند که چرا اشتغال به کار در بین بزهکاران می‌تواند آنها را از ناامیدی، غم، اندوه و تنهایی دور کند. علاوه بر این یافته‌های فرضیه‌ی سوم و چهارم نشان داد اعطای ملاقات حضوری به بزهکاران تأثیر زیادی بر میزان افسردگی آنها دارد. در مقایسه با زمانی که بزهکاران از مرخصی حضوری منع می‌شدند با زمانی که به آنها ملاقات حضوری داده می‌شد، نمره‌های افسردگی در مقیاس BDI تفاوت معناداری در سطح $p < 0/002$ داشت. یافته‌های این فرضیه با یافته‌های مطالعه‌ی اشرف پور (۱۳۷۴)

و میشرا^۱ (۲۰۰۱) همسو و همخوان است.

کاهش فشار روانی، واکنش‌های شناختی و ادراکی نسبت به وقایع پیرامون، میزان تأثیر ارتباط خانوادگی بر عوامل فشارآور ندامتگاه، کاهش تعارضات درونی، کاهش احساس ناراحتی و خروج از بی‌حوصلگی می‌توانند دلایل احتمالی بر تأیید فرضیه‌های سوم و چهارم این مطالعه باشند.

یافته‌های این مطالعه وجود رابطه بین اجرای فعالیت‌های هنری مانند تئاتر، نقاشی، کاردستی و ... با افسردگی را مورد تأیید قرار نداد. عدم تأیید فرضیه‌ی پنجم این مطالعه را می‌توان بدین ترتیب توجیه نمود که فعالیت‌های هنری مانند نمایش، نقاشی، کارهای دستی، تئاتر در کانون اصلاح و تربیت از لحاظ کیفی نمی‌تواند تأثیر زیادی بر کاهش افسردگی بزهکاران داشته باشد. با توجه به اهمیت سایر فعالیت‌ها مانند اشتغال به کار و اعطای پاداش به بزهکاران، فعالیت‌های هنری در کانون‌های اصلاح و تربیت شیوه‌های نسبتاً خشکی هستند که انگیزه کافی برای کاهش افسردگی بزهکاران را فراهم نمی‌کند. در صورتی که در ارائه‌ی فعالیت‌های هنری (همانند اشتغال به کار و اعطای ملاقات حضوری) آگاهی‌های لازم در زمینه‌ی یادگیری این فعالیت‌ها ارائه شود، احتمال تأثیر اجرای فعالیت‌های هنری بر کاهش افسردگی بزهکاران افزایش می‌یابد.

یافته‌های سخنگویی (۱۳۷۸) و منهایم و ویلکینز (۱۹۹۵ و ۲۰۰۱) با نتایج حاصل از فرضیه‌ی ششم این مطالعه در خصوص رابطه‌ی بین انجام فعالیت‌های ورزشی با کاهش افسردگی بزهکاران همخوانی دارد. دلایل احتمالی تبیین تأیید فرضیه‌ی ششم به وجود رابطه‌ی معنادار بین دو متغیر، به نقش مؤثر تربیت بدنی در تسهیل روند عادی سازی و بهبود قوای روانی و جسمانی افراد برمی‌گردد. به عبارت دیگر انجام فعالیت‌های ورزشی در کانون اصلاح و تربیت منجر به دوری از ناامیدی، اندوه، تنهایی و شرکت در جمع و طراوت و شادابی جسمی و روانی در بزهکاران می‌شود.

چنان که در بخش یافته‌ها ملاحظه شد، تحلیل رگرسیونی نشان داد که متغیرهای داشتن اعتقاد مذهبی و اشتغال به کار تأثیر معناداری بر جلوگیری از بزهکاری، بزهکاران دارد و به خوبی می‌تواند احتمال ارتکاب به بزه را در نوجوانان و جوانان زیر ۱۸ سال پیش‌بینی کند. شواهد مربوط به فرضیه‌ی هفتم مبنی بر مهم‌ترین عامل در ایجاد بزه از نظر بزهکاران را مورد تأکید قرار می‌دهد. این یافته‌ها با نتایج مطالعات چادویک و آلبرشت (۲۰۰۲)، صرامی (۱۳۷۵) و منصورنژاد (۱۳۸۴) هماهنگ است. تبیین احتمالی تأیید این فرضیه شواهد اجتماعی است که حاکی از آن است که فرزندان خانواده‌هایی که اعتقادات مذهبی داشته‌اند و در مراسم‌های مذهبی شرکت کردند، نسبت به خانواده‌های دیگر کمتر مرتکب بزهکاری شده‌اند. تجربه نشان داده است که مهم‌ترین عامل در ارتکاب به جرم عدم اعتقاد قلبی به اصول مذهبی و اجتناب از واجبات است.

محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهش

نتایجی که از این مطالعه به دست آمده است، براساس حجم نمونه‌ی ۱۵۶ نفر بوده است؛ به همین دلیل بر تعمیم‌پذیری آن به خصوص این‌که نمونه از گروه پسران انتخاب شده است، باید توجه داشت. علاوه بر آن روش پژوهش زمینه‌ای است. بنابراین آن‌چه که هست مورد توصیف قرار گرفته است که در تعمیم‌پذیری نتایج نهایت دقت را باید به عمل آورد. پژوهشگر پیشنهاد می‌کند که مسئولین کانون اصلاح و تربیت روش‌های اصلاحی نامبرده در این پژوهش را به جز فعالیت‌های هنری با همان کیفیت و جدیت دنبال کنند. همچنین توصیه می‌شود که مسئولین کانون با ایجاد کلاس‌های انفرادی و یا گروهی روش‌های دوست‌یابی مناسب در بزهکاران را آموزش دهند. به عبارت دیگر با ارائه‌ی آموزش‌های تخصصی - تربیتی، نقش دوستان ناباب در ایجاد بزه و تأثیر دوستان خوب و ایده‌آل در شکوفایی استعداد‌های بالقوه و رعایت هنجارهای اجتماعی و دینی را در کاهش بزه آموزش دهند.

منابع

- ۱- آیزنک، ا.ج. و آیزنگ چ (۱۳۷۵)؛ **جرم و شخصیت**؛ ترجمه‌ی پاشا شریفی، حسن و جعفر نجفی‌زند؛ تهران: انتشارات سخن.
- ۲- اشرف‌پور، محمدحسن (۱۳۷۴)؛ **آشنایی با زندان‌های دنیا**. تهران: **ماهنامه‌ی اصلاح و تربیت**، سال اول، خرداد ماه، شماره‌ی سوم.
- ۳- اشرف‌پور، محمدحسن (۱۳۷۴)؛ **مجموعه مقررات اصلاحی زندان‌های کشور چین**. تهران: **ماهنامه‌ی اصلاح و تربیت**، سال اول، شهریورماه، شماره‌ی ششم.
- ۴- زرگر، یداله (۱۳۷۸)؛ **زمینه‌یابی اعتیاد به مواد مخدر در کارکنان صنایع شهرستان اهواز**؛ ستاد مبارزه با مواد مخدر، چاپ نشده.
- ۵- سخنگوی، یداله (۱۳۷۹)؛ **ورزش معلولان، وزارت آموزش و پرورش، معاونت تربیت بدنی و پرورشی**.
- ۶- صرامی، رضا (۱۳۷۵)؛ **گزارشی از وضعیت کانون اصلاح و تربیت اهواز**، انتشارات اداره‌ی کل زندانبانی استان خوزستان.
- ۷- عبادی، غلامحسین (۱۳۷۴)؛ **هنجاریابی پرسشنامه‌ی ۱۶ عاملی کتل فرم E در شهر اهواز**.
- ۸- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۴)؛ **درآمدی بر تربیت اجتماعی در سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام**، **فصلنامه‌ی پژوهش‌های تربیت اسلامی**، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۱، انتشارات تربیت اسلامی.

References

- American psychiatric Association. (1994). Diagnostic And Statistical Manual of Mental Disorders. (4 Rd ed). washington, DS : Author.
- American psychological Association. (1985). Standards for Educational And Psychological Tests. Washington. DS : Author.
- Beck, A. T. & Beamesderfer, A. (1974). Assessment of Depression : the Depression Inventory. in p.pic Hot (ed). Modern problems in pharmacopsychiatry (pp>15-169). Basel Switzerland : Karger.
- Chadwick, B. Albrecht, M (2002). Social science Research Methods. englewood cliffs, new gersey : prentice Hall, Inc.
- Dilliman, D. A. (1978). Mail and telephone surveys : the total Design Method. new york. John wiley.
- Eysenk. H. J.(1976). the psychology is About people. new york.
- kinbert (1995). La prison Factor Criminogene. Rapport General av 11-e-congres de Criminologie, paris.
- Mannheim. H. & Wilkins. L. T. (1955). Prediction Methods in rela to borstal training. H. M. S. O London.
- Mishra, A. (2001). Smoking and Deliquenc's. Printed in India Gopson papers pvt Ltd.
- Steer, R. A, Beck, A. T, Brown, G. & Berchick, R. J. (2001). Self-reported depressive symptoms Differentiating Major Depression From Dysthymic Disorders. journal of clinical psychology, 43, 246-250.